

اجلاس مشورتی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با مسئولین تشکیلات خارج از کشور

به ابتکار و دعوت گروههای خارج کشور اجلال مشورتی شورای مرکزی با مسئولین کشورها در روزهای ۹ و ۱۰ تیر ماه ۱۳۹۰ و ۳۰ (ژوئن) برگزار شد. بررسی اوضاع سیاسی، چشم اندازها و وظایف ما، اظهار نظر پیامون گزارش عملکرد یکساله (یا نانورهای) شورای مرکزی، بررسی مناسبات شورای مرکزی با تشکیلات و بحث درباره منشور همکاری سه سازمان جمهوریخواه دمکرات در دستور کار اجلال قرار داشت. اسناد مربوط به این مباحث پیشتر در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود. اجلال مباحث فوق را بی گرفت. در زمینه مناسبات بین شورای مرکزی و تشکیلات، شرکت کنندگان نظرات و انتظاراتی خود را طرح کردند. اجلال قرار چندماده‌ای در این مورد تصویب کرد و به شورا ارائه نمود. شرکت کنندگان در اجلال در بحث مربوط به «منشور همکاری» فعالانه شرکت کردند و نظرات و پیشنهادهای خود را ارائه نمودند. این پیشنهادها در اختیار شورای مرکزی قرار گرفت تا آنها را مورد توجه قرار دهد.

نامه به دادگستری کشور هند

ایران (اقلیت)، که پیشتر سازمان غفو
بین‌الملل نسبت به جان او هشدار
داده بود، در روز ۲۳ ژوئن اعدام
شدیده است. کاظم میرزاپی، از منسویین
به حزب دموکرات کردستان ایران، نیز
در روز ۱۹ ژوئن در زیر شکنجه به
شهادت رسیده است. پیشتر از این نیز
ما شما را از اعدام اسد اخوان، از
منسویین به سازمان گذشته، و ۶ تن دیگر از
تابستان سال گذشته، و ۶ تن دیگر از
اعضای حزب دموکرات کردستان ایران
وطیار کردیم.

خانم آشمیتز

اینها فقط چند نمونه‌اند که
نتیجه گیری گزارش و زارت امور
خارجی هنلند دایر بر بیهود وضع
حقوق پسر در ایران را، بعنوان یک
استنتاج از واقعیت، غیرممکن
نمی‌کنند.

خانم اشمیتز

ما همصدرا با تمامی منابع معتبری
که از اوضاع اخیر ایران گزارش داده‌اند،
چنانکه اطلاع دارید گزارش‌هایی
کاملاً متفاوت با گذاش، وزارت امور

خارجه هلتند، بازگرداندن پناهجویان
ایرانی به ایران را اقدامی مسئولانه
می‌دانیم و پرهیز دولت ایران از دادن
شمامت رسمی برای امنیت این افراد
باهم تصادفی تلقی نمی‌کنیم. از این‌رو
از شما مسراوه می‌خواهیم در
همیستان تجدید نظر کنید.

نخهایی از این نامه را مباری
کمیسیون دائمی مجلس هلند در امور
ادگستری، سازمان غنو بین‌الملل و
کمیساری عالی سازمان ملل برای
ناهندگان ارسال خواهیم کرد.

با احترامات فائقه
دیرخانه س.ف.خ.ا. (اکثریت)
عازم بدنفعی

ین نتیجه میرسد که پس از فارابی اهل فلسفی در سرنوشت و سرشت سیاسی جامعه و حیات اجتماعی تقریباً کلی متروک ماند. نظریه ایست از طرف عرفان و تصوف اعث شد تا سیاست یکسره در استیاه خون‌الود خودکامگان رها شده استبداد توسط اسلام توجیه شد. از سوی دیگر نوعی قشری گری و طاهریینی بر دنبای مسلمانان حاکم شده و فقه اسلامی هم که «میبایست بپنداش» بر تفکر باشد، در غیبت تفکر سراسر، قالب اندشه شد».

برخوردی قشری و سطحی بوده است...شیدایی یا نفرت هر دو افت شاخت علمی آند». برای به سرانجام رساندن شتابانتر و مطمئن تر بحث پیرامون توسعه، پیشنهاد یک بحث اساسی پیرامون چگونگی تمدن غرب و چگونگی نسبت را که ما با این تمدن داریم و مسایست داشته باشیم، را میکند. او علت توسعه نیافتن را در عدم حضور انسان تلاشگر و اندیشمند در عرصه سرنوشت بخاطر حکومتیابی نزور و خودکامه میداند و بدینسان آزادی اندیشه که شرط حضور در صحنه سرنوشت و مایه اصلی رشد و پیوایی است به رسیت شناخته نشد». وی پس از بررسی تاریخ اسلام به

و «هستی» حرف زده شده است... در این برناهه از افراد مختلفی حرف به میان می آید که چهسا بقیه تجانسی همبا هم نداشته اند و نشریاتی در کنار هم نهاده شده اند که سنتی خود را هم ندارند. خشک و تر با هم سوزانده می شود. ما به کم و کیف این برناهه کاری نداریم. تنها در آنچه مربوط به

فاست، حاموس ماندن را کنامه دایم.
زیرا ممکن است کسانی باشند (هرچند کم) که این خاموشی را به «رسان» تعبیر کنند. دفاع از آبرو و از حق، از دفاع از جان و جوب کمتری ندارد.

پرورونده‌سازی کیهان و حملات تبیه کنندگان برنامه «هویت» علیه نویسنده‌گان و مطبوعات مستقل یک توسطه حساب شده است. جعل اظهارات سحابی و سرهمندی کردن یک سری اتهامات دروغ و نقل آنها از زبان آقای سحابی علیه نهضت آزادی یک اتفاق ساده و پیش آمد تصادفی نیست. تبیه کنندگان برنامه «هویت» آگاهانه چنین افتراءتی را به سحابی نسبت داده‌اند تا به جو بدینی و عدم اعتماد در میان نیووهای بازنمود داخل کشور دامن بزنند و از نزدیکی آنها جلوگیری کنند. تجربه نشان داده است که در پی هر تبلیغات روزنامه‌چنگالی و بی‌مایه کیهان و هفت‌نامه صحیح یکی از نشریات مستقل و یا یکی از نویسنده‌گان و شخصیت‌ها هدف پیروش قرار گرفته است. انتشارات مرغ آمین به دنبال تبلیغات کیهان و سخنان جنیتی به دست حزب الله به آتش کشیده شد. مجلات تکاوی و گردون به همین روای تعطیل شدند و این بار هدف کیهان و سازنده‌گان برنامه «هویت» مجله «ایران فردا» و دیگر نشریات مستقل است.

عزت الله سحابی خواستار

منظمه تلویزیونی شد

نظام پارلمانی و دمکراسی و آزادی و
آزادی بیان و قلم و غیره دارد، به آنچا
نگاه کنیم... خودمان را با او و
معیارهای او تطبیق بدیم و مسائل
داخلی کشورمان را با آن معیارها
بستجیم!».

سخنی در نامه خود به هاشمی
رفستگانی نوشته است: «ممکن است
دولت نظرات سیاسی یا فرهنگی و
مذهبی اینجانب را نپسند و بخواهد
نسبت به آن واکنش نشان بدهد، اما با
توجه به ساخته ۵۰ ساله فعالیت
اجتماعی و فرهنگی من که دست کم بر
شخص شما پوشیده نیست،
انتساب مرکزیت و پایگاه تهاجم
فرهنگی غرب از سوی سازمان صدا و
سیما به مجله ایران فردا یک اتهام،
اقتفا و سلب حیثیت آشکار است!».

اعتراض نامه دیگر از دکتر
محمدعلی اسلامی ندوشن مدیر
مسئول فصلنامه «هستی» است.
اعتراض نامه دکتر ندوشن بیان
نیامدمی‌های رژیم و
خودکامگی‌های دستگاههای فرهنگی و
قضایی آن است. در پیشی از نامه دکتر
ندوشن که در روزنامه اطلاعات پاپ
شد، آمده است: «در دو سه ماه گذشته
غروب جمعه برنامه‌ای در تلویزیون
اجرا می‌شده که نام «هستی» بر خود
دارد و طی آن لااقل در سه جلسه از من

تصادیق آشکار اختلاط حق و باطل،
القای شبهه و بد انديشي و نشر اكاذيب
در جامعه می‌باشد... برای روشن
شدن افکار عمومي و قضات منصفانه
شوندگان و پيندگان صدا و سيما،
نهضت آزادی ايران آمادگي خود را
جهت شرکت در يك مناظره
تلويزيوني عادلانه و بطرفة‌انه در پاسخ
به اتهامات غير مستوانه و زشت
برنامه فوق الذكر اعلام می‌کند!».

روزنامه کيهان چاپ تهران به نقل
از برنامه «هستی» از زبان عزت الله
سعحابي نوشته بود: «آقایان حسن نزيه،
عباس اميرانتظام ... اگر چه جزو
مؤسسان و فعالان اوليه نهضت در سال
۱۳۴۰ بودند، لیکن از سال ۱۳۴۱
صحنه را ترك كردند و در داخل و
خارج کشور به دنبال مال و جاه رفتند...
در اين ۱۵ - ۱۶ سال برای ما به هيج
وجه روشن نبود که آقایان اصلاً چه
مسيری را طي کردند و افکارشان کجا
رشد یافت... برای دولستان ما هم روشن
نبود که اين آقایان با چه محاافقی و چه
خطهایی تماس دارند». کيهان از زبان
سعحابي در باره سياست نهضت آزادی
نوشت: «وقتی ما به مسئله استبداد
خليلی اهتم داديم، خيلي طبعي است
كه در خود ما اين اثر را بگذارده که ما
نسبت به غربی که حالا استبداد ندارد،
به صورت کلاسيك و مشروع، مثلاً

دادگاه، مدیران پیام دانشجو و هفته نامه را محکوم کرد

پیام داستیجو و هفته نامه بهمن
را محاکوم کرد

آخری سینتاری با عنوان «توسعه و آزادی» در دانشکده علوم اجتماعی داشگاه تهران برگزار شد. وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خاتمی که در حال حاضر ریاست کتابخانه ملی را بعده دارد نظریاتش را در باب توسعه در یک سخنرانی ایجاد نمود. او پس از طرح این پرسش که چرا بعد از ۱۴۸ سال (تاریخ گشایش دارالفنون تا امروز)، هنوز به توسعه نرسیده‌ایم به تعریف توسعه پرداخته و میگوید که «توسعه هر چه باشد، نوعی تحول و دگرگونی در جامعه است و تحول، امری مطلوب است و توسعه به معنی امروزیش، تبیان‌گردانی و صورتی از تحول است». در ادامه شرایط ضروری چیزی کام گذاشتن در راه توسعه و رسیدن به آن را بیدین ترتیب بر می‌شمارد «۱- هیچ تحولی، انسانی و کارساز نخواهد بود مگر آنکه انسانها، آگاهانه و مختارانه در فرایند آن دگرگونی شرکت داشته باشند. ۲- شرط حضور فعال و آگاهانه و مختارانه انسان در فرایند بست. ۳- تحول،

ادبی چنین صحنه‌هایی را بر نمی‌تابد».

- در همین صفحه در مطلب «دانشی جان هم رفت» تاریخ تولد غلامحسین نقشینه اشتباها ۱۳۸۷ درج گردید که تاریخ درست آن ۱۲۸۷ می‌باشد.
- اسم رفیق عسگر حسینی ابرده که در سال ۱۳۵۵ به مراره و فیق حمید اشرف و دیگر باران جان باخت، در شماره قبل از قلم افتاده بود.

در شماره پیشین نشریه برخی بتباها تایپی وجود داشت که با زش، آنها را به شرح زیر اصلاح کنیم:

- در صفحه ۸، پاراگراف سوم از نین سال ۱۳۵۶ درست است.
- در تیتر کوچک مطلب «زیستن بیم و هراس» در صفحه ۶ داستانسرا بتباها و داستان‌نویس درست است.
- در خط آخر پاراگراف اول ستون وم در همین مطلب کلمه سانسور از امن افتاده است: «سانسور توصیف

بچه از صفحه اول
هستند و مجازات کوچکترین «خطای آنان، محرومیت از نوشتن، زندان، شلاق و شکنجه است. حتی شاکیان خصوصی نیز که قادر به خواندن و نوشتن نیستند می‌توانند علیه آنان شکایت کنند و از دادگاه بخواهند که مثل تکاپو و گردون درشان تخته شود و نویسنده‌شان آواره شیر و دیار غربت

برنامه «هویت» در داخل بازتاب
متناوتبی در میان روشنگران داشت.
عموم اینها مخالف بودند. برخی با
صدای رسا به مخالفت پرداختند و
برخی به شکلی که صلاح داشتند اما
بودند سیاستمدارانی که در اعتراض به
این برنامه کوڑاوه رفتند. عزت الله
سحابی صاحب امتیاز نشریه «ایران
فرداد» ابتدا در سرمقاله شماره ۲۵ این
نشریه نیروهای آپوزیسیون خارج از
کشور را ضد انقلاب خواند و در نامه‌ای
به رفستجانی تهیه کنندگان برنامه
هویت را به مناظره تلویزیونی طلبید.
سحابی در نامه خود به مدیر سازمان
صدا و سیما نوشت:

«در هفت‌های آخر ملت شریف ایران شاهد پخش برنامه‌های مشکوک و بسیار هویت در سیمای جمهوری اسلامی تحت عنوان «هویت» بود که غرض‌ورزی و تهمت پراکنی غیر مسئله‌اند آن در پیش‌ساعات ۲۰/۳۰ ۷۵/۴/۱ ییشت از سایق جلوه‌گر شد. این برنامه با درهم آمیختن بخشایان پراکنده‌ای از نشریات ضدانقلاب و کتابهای موسم به «استاد لانه جاسوسی» یا مقالات و نشریات نسبت آزادی ایران و رهبران آن مجموعه‌ای ناهمگن را پیش روی بینندگان خویش قرار می‌داد که از

بچه از صفحه اول
رئیس دادگاه در مقابل سخنان
طبرزی گفت:
«شما با این کار دشمن را خوشحال
کرده اید. اگر خلافی را مشاهده می کنید
به مقامهای قضایی گزارش دهید!»
حشمت الله طبرزی در پاسخ به

رئیس دادگاه گفت: «پس با توجه به این، جایگاه وظیفه مطبوعات چیست؟ اصولاً اشاعگری و روشنگری از مطبوعات شروع می‌شود، از جمله اشاعگری اختلاس ۱۲۳ میلیاردی در بانک صادرات». رئیس دادگاه می‌افزاید: «اما خارجی‌ها از این موضوع سوء استفاده می‌کنند». طبرزی در پاسخ می‌گوید: «ما می‌گوئیم آقایان تخلف نکنند که خارجی‌ها سوءاستفاده ننمایند».

تصحیح و پژوهش

عملکرد برنامه اول، چشم انداز برنامه دوم

دکتر حسین رفیعی

- ۵۷ سال تعداد میلیارد رهای ایران ۱۶ نفر بودند. در
- ۶۹ سال تعداد میلیارد رهای به صدها نفر رسیدند
- نقدینگی بخش خصوصی که ۶ برابر بودجه عمومی دولت است تنها در دست ۳ هزار خانواده است
- در سال ۶۸، ۵٪ افراد جامعه ۹۰٪ در اختیار داشتند.
- اخيراً (سال ۷۴) اعلام شد که ۳٪ جمعیت کشور ۷۰٪ نقدینگی را در اختیار دارند
- در حالیکه تولید ناخالص داخلی در سال ۷۰ به میزان سال ۵۵ بود، تعداد شاغلان از ۷/۸ میلیون نفر در سال ۵۵ به ۱۳ میلیون نفر در سال ۷۰ رسید
- در بخش‌های تولیدی اقتصاد کشور ضریب اشتغال از ۵/۶۷٪ پس از ۱۵ سال به ۴۸/۲٪ کاهش یافته است

به گفته آقای باهنر اگر برای ۲ میلیون نفری که سالانه وارد بازار کار می‌شوند فقط یک میلیون شغل ایجاد کنیم، هر شغل به طور متوسط نیاز به ۱/۷ تا ۲ میلیون تومان سرمایه گذاری دارد. براین اساس جهت ایجاد اشتغال رای یک میلیون خانواره جدید سالانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری لازم است. چیزی که معمولی نخواهد بود. لازم است بدایم که در بهترین سالهای قبل از انقلاب بین ۲۰۰۰ تا ۳۲۰ هزار شغل ایجاد نماییم.

بخش پژوهش و مشاوره شرکت
سرمایه‌گذاری سازمان صنایع ملی
گزارشی منتشر کرده است که سرمایه‌
بنزین برای ایجاد یک مرور شغل نسبتاً
ادام در سطح کلان برای سال
بلغ یک میلیون تومان برآورد
شود. احتمالاً اختلاف رقم این
حقیق با رقم اعلام شده توسط اقای
ماهر، افزایش هزینه‌های
سرمایه‌گذاری بین سالهای ۷۲ و ۷۴
سته‌اند باشد.

مسننه ديجر کاهش ضريب اشتغال
بر يخش توليد کشاورزي، صنعت و
معدن است که در يخش کشاورزي از
۳۳٪ در سال ۵۵ به ۲۲٪ در سال
۷۰ و در يخش صنعت و معدن از
۳۳٪ در سال ۵۵ به ۲۵٪ در
سال ۷۰ رسيده است. یعنی در يخش
وليدكتنده ضريب اشتغال از
۴۷٪ در سال ۱۵ به ۴۸٪ کاهش
افتاده است.

- سال ۵۷ تعداد میلیاردر
- سال ۶۹ تعداد میلیاردره
- نقدینگی بخش خصوصی
- دولت است تنها در دست
- در سال ۶۸، ۵٪ افراد ج
- اخیراً (سال ۷۴) اعلام شد
- نقدینگی را در اختیار دارند
- در حالیکه تولید ناخالص
- سال ۵۵ بود، تعداد شاغ
- سال ۵۵ به ۱۳ میلیون نفر
- در بخش‌های تولیدی اق
- از ۱۵٪ پس از ۱۵ سال به
- هر کدام از این دو امار را که بیوی امیدواری و وزیر مسکن ایده‌آلی مت که به تحقق خواهد رسید.
- رف نظر از مشکل حاشیه‌نشینیها و مسکن روستاییان که فاقد استاندارد آقای مهندس باهر نماینده میلیون، از این به بعد سالی ۲ میلیون ایان وارد بازار کار خواهند شد که اگر میلیون خانواره تشکیل دهند، لانه به یک میلیون واحد مسکونی بید نیاز خواهد بود.

دارایی و نقدینگی

به گفته آقای دکتر همتی در سال ۹۰، ۵٪ افراد جامعه ۹٪ داراییهای معده را در اختیار دارند. و براساس مورد موجود در سال ۹۵، ۱۰٪ از مردم این روزانه ۶ تومان درآمد دارند، ۱٪ دیگر روزانه ۱۳ تومان، ۴٪ از عیت کل کشور به طور متوسط ۳۰۰ ر تومان در ماه درآمد دارند. در

دارایی و نقدینگی

آخری در آمد کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. یعنی ۸۰٪ افراد صاحب ۵۱٪ و ۲۰٪ صاحب در آمد کل کشور هستند.

آقای موسوی اردبیلی در سال ۶۹ خط فقر را برای یک خانواده ۴ تا ۵ نفری ۱۸ هزار تومان اعلام کرده‌اند.

آقای الوری در میزگردی در دانشگاه علامه طباطبائی گفت: "براسن آمار رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۶۸ ۱۰٪ از غنی ترین خانواده‌های ایران برابر ۱۰٪ فقیرترین افراد جامعه ۲۳ در آمد داشته‌اند.

از سالهای ۷۰ تا ۷۴ آماری در این مورد در دست نیست. تردیدی نیست که شرایط به مراتب بدتر و اختلاف طبقاتی عمیق‌تر شده‌است. اخیراً اعلام شد که ۳٪ جمعیت کشور ۷۰٪ نقدینگار، ۱۰٪ اختصار دارند.

بیکاری و اشتغال

طبق آمارهای رسمی، تولید ناخالص داخلی با قیمت‌های ثابت سال ۱۹۶۵ در سال‌های ۵۵ و ۷۰ مساوی بوده است. اما تعداد شاغلان از ۸/۷ میلیون نفر در سال ۵۵ به ۱۳ میلیون نفر در سال ۷۰ افزایش یافته است. یعنی $\frac{4}{3}$ میلیون نفر فاقد بهرهوری و کارایی اقتصادی، جزو جمعیت شاغل کشور به حساب می‌آیند. آمار رسمی بار تکلف که در سال ۴/۳، ۷۰ بوده است، اگر اشتغال واقعی را در نظر ۷/۷ نفر فروته، خواهد گفت.

ارقام تازه‌ای از بدهی‌های خارجی

در گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد برخی دستگاههای دولتی که در روزهای پایانی عمر مجلس چهارم در مجلس طرح و در برخی از روزنامه‌های وابسته به حکومت نیز انتشار یافت، آماری از بدھی‌های خارجی ارائه شده که با ارقام اعلام شده قبلی مسئولان دولتی متفاوت است. براساس این گزارش حکومت اسلامی تنها تا پایان سال ۱۳۷۴/۰۷ میلیارد دلار بدھی خارجی روی دست مردم گذاشته است. این رقم در پایان سال ۱۳۷۳ به ۴۳ میلیارد دلار بالغ می‌شود. پیش از این حد اکثر میزان بدھی خارجی از سوی برخی از مسئولان و آنهم به طور تلویحی حدود ۳۵ میلیارد دلار اعلام شد بود.

پایان سال	بدھی بھ میلیارڈ دلار
۱۳۶۸	۱۹/۲
۱۳۶۹	۲۸/۵
۱۳۷۰	۳۲/۵
۱۳۷۱	۳۷/۱
۱۳۷۲	۳۹/۲
۱۳۷۳	۴۳/۰

میلیون واحد اعلام می کند اختلاف دارد. هر کدام از این دو آمار را که قبول ننیم امیدواری وزیر مسکن ایده آلو است که ب تحقق نخواهد رسید. صرف نظر از مشکل حاشیه نشینیها و مسکن روستاییان که فاقد استاندارد است اقای مهندس باهر نماینده مجلس، از این به بعد سالی ۲ میلیون جوان وارد بازار کار خواهد شد که اگر یک میلیون خانواده تشکیل دهن، سالانه به یک میلیون واحد مسکونی جدید نیاز خواهد بود.

مدارس غیرانتفاعی تخصیص داده شده ۲۰ میلیارد ریال آن بدنون بهره برد. یعنی در فاصله سالهای ۷۴ تا ۷۶ مجموع مبلغ ۶۷۴ میلیارد ریال به این مدارس اختصاص یافته که ۳۷۰ میلیارد ریال آن مربوط به سال ۷۴ شود. این در حالی است که تنها ۰٪ دانش آموزان کشور تحت پوشش مدارس قرار دارند.

اگر این اعتبارات و واسیها را با می که به دانشجویانی که "توان میں مخارج تحصیلی خود را ندارند"،

اشارة: مقاله زیر از شماره ۲۵ «ایران فردا» نقل شده است که به علت طولانی بودن آن، در اینجا تنها بخش‌هایی از آن نقل می‌شود. تاریخ نکارش مقاله حدود یک سال پیش است و نیز پاره‌ای از آمار و اطلاعات آن پیش از این جدا گانه و به طور پراکنده در نشریات مختلف آمده است. با این همه جمع‌آمد این آمار و اطلاعات در یک مقاله، تصویر روشن‌تری وضع اقتصادی و اجتماعی کشور ارائه می‌دهد که ارزش مطالعه دارد. این مقاله هرچند عنوان «عملکرد برنامه اول ...» دارد، اما کارکرد کل نظام اسلامی به محک می‌کشد. آمار و اطلاعات ارائه شده در این مقاله، جایجا مستند به منابعی است که نکارنده در زیرنویس مقاله به انتهای اشاره دارد که تقریباً تمام این منابع، روزنامه‌های وابسته به رژیم اسلامی است. اما در اینجا برای رعایت اختصار از آوردن زیرنویس منابع احتراز شده است.

مقدمه: در این نوشتار سعی شده است که این اطلاعات پراکنده‌ی نشست شده طوری جمع‌آوری شوند که به توان بوسیله‌ی آن عملکردها را سنجید و واقعیتها را لمس و آینده را ترسیم کرد. در مواردی، از کارهای تحقیقی متخصصان و متغیران خارج از حاکمیت نیز جهت غنای پژوهش استفاده شده است.

(۵) بنابراین در این نوشتار سعی براین است که با آمارهای اعلام شده توسط مسئولان ذیرپریط جمهوری اسلامی، تفχص شود که نخست حاکمیت در مسیر تحقق اهداف انقلاب حرکت می‌کند یا خیر. دوم اینکه ایران شرایط یک کشور در حال توسعه را دارد یا نه.

اختلاف طبقاتی

الف) آموزش: پس از پیروزی انقلاب مسئولان وقت آموزش و پرورش که خود سالها شاهد رشد نابرابری های آموزش و پرورش در مدارس ملی بوده اند، این مدارس را منحل و آموزش را دولتی و رایگان اعلام کردند. از حدود سال ۶۸ پدیده "مدارس غیر انتفاعی" تولد یافت. در خصوصی کیفیت کار این مدارس، عملکرد آنها، شهریه هایی که می گیرند، جذب بهترین تراووهای بخش دولتی، خصصت طلاقات، محصلان، آنسیا، کسب استقلال اقتصادی - اعتلای اخلاقی افراد جامعه برپایه دستورات رهایی بخش اسلام (۲) مستکران تحولات نوین اجتماعی امروزه متفق القولند که برای توسعه "اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" یک جامعه عقب مانده تمرکز چهار عامل پیش شرط می باشند؛ صرف نظر از این که توسعه منحصرآ توسط بخش دولتی، بخش خصوصی یا باشتراک هر دو بخش انجام پذیرد. این مقاله عما عبارتند از:

ترمیمهای بین ایران و پارسیان

- سرمایه
- نیروی انسانی
- اطلاعات
- مدیریت

(۳) در خصوص برنامه‌های اول و دوم جمهوری اسلامی شمار نسبتاً زیادی از متفکران، متخصصان و کارشناسان ایرانی و خارجی، با تقدیرات گوناگون، سخن گفته، مطلب نوشته و آنها را تقدیم و بررسی کرده‌اند. در این نوشتار از دیدگاه دیگری به عملکردها و چشم‌اندازها نگریسته خواهد شد.

ساخت ساخت سیستمی در سرور وجود دارد که تا مهرماه به ۲۰۰۰ مدرسه می رسد. کادر آموزشی در این مدارس ۵ هزار نفر و ۱۴۵ هزار داشت آموزش دارند یعنی ۱٪ کل داشت آموزان کشور. پنج ماه بعد به نقل از همین منع تعداد مدارس دایر شده ۲۳۰۴ باب و داشت آموزان تحت پوشش ۲۷۰ هزار نفر یعنی ۲٪ کل داشت آموزان کشور ذکر شده است.

وزیر آموزش و پرورش برای کمک به آن دسته از مدارس انتفاعی "که حاضر شوند شهریه خود را کاهش داده و یا از داشت آموزان متاز به طور رایگان ثبت نام کنند" اختصاص ۲۴ میلیارد ریال اعتبار را اعلام کرد. او همچنین افزود برای احداث مدارس غیرانتفاعی ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافت دارد.

متغایر آن، ۳۷۰ میلیارد ریال وام خرید، ساخت و تجهیز به مؤسسان

(۴) علی رغم امیدواریها و خوشبینی های فراوانی که مسئولان رده بالای جمهوری اسلامی پیوسته به مردم می داشتند، واقعیتها تگران کننده تر از آن هستند که متفکران جامعه و حتی بخشی از مسئولان رده های پایین تر حاکیت، این امیدها و خوشبینی ها را باور کنند. دلیله خود را گهگاهی بیان ننمایند. به نظر می رسد که در دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی نهادها، ارگانها و اشخاصی هستند که به طور تخصصی شرایط جامعه را تحلیل می کنند و اطلاعاتی را برای مسئولان رسمی و غیر رسمی سلطنت تهیه می نمایند. در مواردی این اطلاعات که از چشم مردم پوشیده سانده است، به طور پراکنده و عدمتاً بدون انسجام، جمع بندی و عبرت آموزی، توسط بعضی از مسئولان رده های میانی حاکمیت به پیرون نشست می کند.

نمایش سراسری فیلم گبه در فرانسه

فیلم «گبه» اثر زیبای محسن مخملباف که در چهارچوب یک ماجراجوی عاطفی و عشقی، چگونگی باختن گبه (فرش معروف عشاير فارس) را به تصویر می‌کشد، هم اینک در ۲۴ شهر فرانسه نمایش داده می‌شود. این اولین بار است که یک اثر سینمای ایرانی در جهان معرفت شده است.



ادامه می یابد. زیرا شوهر آینده‌ی وی
چیزی نیست جز سایه‌ی اسب‌سواری
در دور دست که همیشه در یک کادر
مخالف با افق دیده می‌شود.
فیلم «گد» آنجاکه به روئند بافته
شدن فرش گیوه می‌پردازد کاملاً مستند
است و آنجا که زندگی گبه‌ی عاشق را
به تصویر می‌کشد پیوسته با افسانه و
ایهام‌های شناخته‌رانه پهلو می‌زند. در
رهگذر درامیزی این دو بخش مستند
و افسانه‌ئی، فیلم پرمعنا و پرکنشی
پدید آمده که بروگر قابل اعتمادی دیگری
در کارنامه‌ی دسته‌ای مختلف به
شمار می‌رود.

نکته‌ها و گفته‌ها

«نقش اطلاع‌رسانی زبان - و نه نقش تذکاری آن - در جامعه‌تی جدید» ایجاد می‌کند که ما زبانی را به داش آموزان و داشن‌جویان بیاموزم که در نزدیک ترین فاصله با زبان گفتاری خود آنان باشد، و نه با زبان متون کپی و نخبگان فرهیخته، چه تهتا در فضای چنین زبان زنده و گفتاری است که نوآموز ممکن است با علم، فن، فلسفه و هنر جدید احساس اهلیت کند. جای درست آموختن این متون (الشعار نظامی و خاقانی، سعدی و حافظ و کلیله و دمنه) کلاس ادبیات است. (در حالی‌که) در کلاس زبان ما باید چهار عمل اصلی «گفتن»، «شیدن»، «خواندن» و «نوشتن» را به نوآموز یاد بدیمیم. (به اضافه‌ی مهارت‌های جنبی مانند مراجعة به کتابخانه و خیلی چیزهای مختلف دیگر). صرف این واقعیت که هیچ کدام از اینها جزو برنامه‌های آموزشی زبان فارسی نیست، گواه بر این است که در این برنامه‌ها نیز ما درست در اختیار سنت هستیم.

دکتر علی محمد حق شناس - ماهنامه‌ی جامعه‌ی سالم
شماره ۵۰، ۲۶

«مدیر روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی (مسئول صادرات و واردات فیلم سینمایی در جمهوری اسلامی) در پاسخ به این پرسشی که با توجه به عدم صدور مجوز به منظور نمایش فیلم «آدم برفی» در داخل آیا برای ارسال آن به خارج کشور با معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد نیز هماهنگی شده است، ابراز داشت: تا آن جاکه من می دانم این هماهنگی انجام گرفته است ضمن این که نمایش فیلم یاد شده در خارج کشور تبعات منفی آن در داخل کشور را ندارد»

«محدودیت‌هایی که برای کارگردانان (ایرانی) در نظر گرفته شده، نتیجه‌ی خوبی داشته و از آنجایی که این محدودیت‌ها از پیش مشخص شده‌اند، بنابراین کارگردانان به جای تغییر آنها سعی می‌کنند خود را به آنها وفق دهنند».^(۱)

Abbas Kiarostami در مصاحبه با نیوزویک
اطلاعات بین‌المللی - اول تیر

پژوهش‌های فلیکس پست، روانکار نامدار انگلیسی در مورد زیست‌نامه و رفتار ۱۰۰ نویسته، شاعر و درام‌نویس انگلیوساکسون حاکی از آن است که اهل قلم به لحاظ ویژگی‌ها و ظرافت‌های روانی بیش از صاحب‌استعدادان عرصه‌ی علم در معرض ابتلاء به افسردگی، روان‌پریشی، خوگیری به‌الکل و مواد مخدر، اقسام به خودکشی و خشونت‌گرایی قرار دارند. پست در پژوهش خویش برای هر کدام از عارضه‌های فوق یک نمره‌ی منفی در نظر گرفته است. جالب آن که براساس نتیجه‌گیری‌های این روانکار انگلیسی، در شاعران متبر از سایر اهل قلم چنین عارضه‌هایی دیده می‌شود، در حالی که نویسنده‌گان و درام‌نویسان مثل ویلیام فالکتر، اف. اسکات فیتز جرالد، اولین او ابا ۶ نمره‌ی منفی و ارنست همینگوی و جمیس جویس با ۵ نمره‌ی منفی در صدر فهرست عارضه‌مندان قرار گرفته‌اند.

۹۶ هفته‌نامه‌ی اشپیگل شماره‌ی ۲۳ سال

تشکل خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران

• زمینه‌ها، تجربه‌ها، دشواری‌ها

یکی از شاخص‌های حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های اخیر افزایش شمار نشریات مستقل، وابسته یا نزدیک به حکومت در عین تداوم فشارها و سرکوب‌های است. این روند که به گونه‌ئی چشمگیگی بر شمار کارکنان و دست‌اندرکاران مطبوعات افزوده است، در کنار این واقعیت که آگاهی و تحریک مردمی، صنفی، سیاسی و اجتماعی کمایش رو به قزوینی می‌رود و نیز امادگی بیشتر روشنگران جامعه، از جمله خبرنگاران و روزنامه‌نگاران به واکنش در سایر پایمال شدن حقوق خویش از سوی مراجع حکومتی و یا گروههای فشار وابسته به آن، موضوع تشکل این صنف و برپایی نهادی برای دفاع از حقوق حرفه‌ئی، مدنی، سیاسی و اقتصادی آن را در کانون بحث‌ها و رایزنی‌ها قرار داده است. گفتنی است که این بحث‌هایها به کارکنان نشریات مختلف اشان تلاش و مبارزه کند.

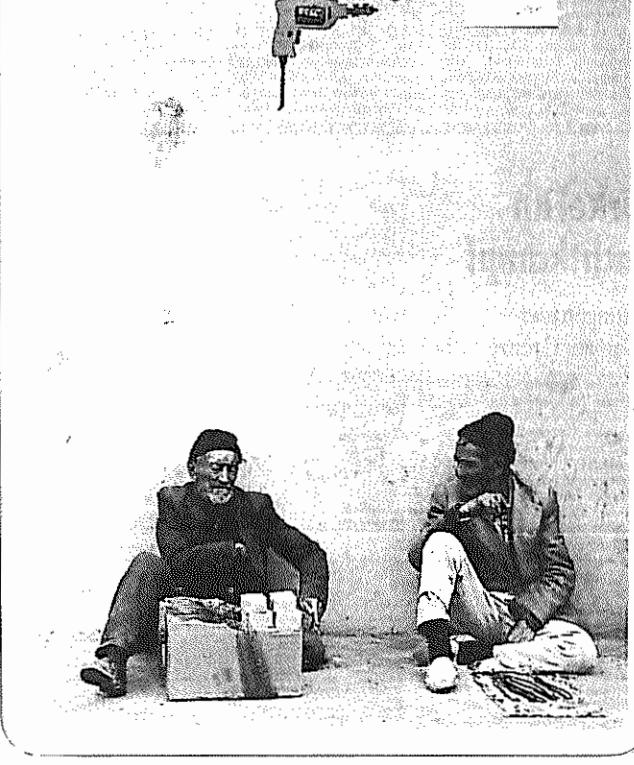
آموش همگانی و غیرمستقیم، تبدیل شدن به عرصه‌ی آزاد برای طرح و پرخورد آراء و افکار و نظرات گوناگون، بازتاب افکار عمومی در برابر دولت‌ها و نهادهای مدیریت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، ارائه انتقادها و نظرات و بررسی‌های کارشناسی، ارتقاء فرهنگی در زمینه‌هایی چون زبانشناسی و ارزش‌های هنری و ادبی و اخلاقی و آرمانی، حضور انتقادی به عنوان یک عنصر قدرت همسنگ و کنترل‌کننده و ناظر در برابر دولت‌ها و مدیریت جامعه جامه‌ی عمل پوشند. اگر در علت یابی تیراز نازل مطبوعات ایران از رواج شدید فرهنگ شفاهی و نوشی بسیار پایین مطالعه در گذریم، به بدگمانی و بسی اعتمادی مردم به مطبوعات می‌رسیم که همانا از ناتوانی مطبوعات در انجام کارکردهای خویش ناشی می‌شود. پوشیده نیست که این ناتوانی مشکل ذاتی و درونی مطبوعات ایران نیست و قل، از جمهه به سانته: دسم، اویین شماره‌ی این قدیمی ترین روزنامه که «کاغذ اخبار» نام داشت، روز ۲۳ خرداد ۱۲۵۳ هجری قمری توسط میرزا صالح شیرازی منتشر شد و چندی بعد با منصرف شدن محمدشاه آقا، «تیست دم» انتشار، متوقف

پیش و پیش او خمه به سانسور رسمی و غیررسمی ائمۀ بازمی‌گردد که حکومت‌های استبدادی مختلف به جراحت تحمیل کردند و این سانسور آشکار در تلفیق با خودسازی‌سوری کارگزاران مطبوعات که از عدم امنیت حرفه‌ئی، سیاسی، مدنی، حقوقی، اقتصادی و شخصی آنها ناشی می‌شده است، مطبوعات را از ایسای نشان واقعی خود بازداشتۀ است. در واقع سانسور و کنترل و نظارت حکومتی در ایران را با اندکی آسان‌گیری می‌توان همزاد مطبوعات ما دانست، چرا که به رغم دولتی بودن نخستین جراید ایران، در سال ۱۲۸۰ قمری یعنی درست ۷ سال پس از انتشار اولین روزنامه‌ی فارسی، ارتاجاع حاکم (اداره‌ی انتطباعات) را اداره نمود و حکم کرد که: «همه چاچانه و روزنامه‌های ایران باید زیر نظرات این اداره درآید». در افتادن محمدعلی‌شاه، رضاشاه، محمد رضاشاه و جمهوری اسلامی با مطبوعات و از دست رفتن جان‌های شیدایی همچون سورا اسرافیل، میرزا جهانگیر خان، ملک‌المتكلّمين، فرجخی یزدی، حسین فاطمی و رحمان هاتفی و حبیب و دربداری بسیاری دیگر همه و همه اوراق تاریخ پر از درد و رنج مطبوعات ایران‌اند. تاریخی که در آن صفحات مربوط به جمهوری اسلامی گاه سیاه‌تار از دوران شاهان در انقلاب مشروطیت، مطبوعات رکن چیزیار مشروطه نامیده شدند و این بدان معنا بود که نهادهای اجرایی و حکومتی را حق دخالت در کار آنها نبوده است.. اما این تلقی تنها در ۴ دوره‌ی کوتاه به واقعیت نزدیک شد: بار نخست در گرم‌آگرم انقلاب مشروطیت، بار دیگر پس از فرار محمدعلی‌شاه و فتح تهران، سوم بار در شپریور ۲۰ و به دنبال سقوط رضاخان و آخرین بار در سال ۵۷ و گرم‌آگرم سقوط رژیم شاه.

در تمامی این دوران کوتاه آثار زیان بار ناشی از استبداد و دیکتاتوری و عدم تکوین جامعه‌ی مدنی مانع آن بودند که در متن نهادی شدن ازادی‌ها، مطبوعات نیز از انتیاد سانسور دولت به درآیند و بتائید کارکردها و ظایف خود را تحقق بخشدند. هم از این روست که به رغم تغییر و تحول در سیما و محتواهای مطبوعات ایران هنوز هم آنها در موقعیتی نیستند که به کارکردهایی هم چون انتقال اخبار و اطلاعات،

«لرنگِ دوربین»

خدمات
ابزار
پوش



سیمای جهان معاصر را بهتر بشناسیم

بخش اول: دمکراسی، نخستین قربانی اقتصاد بازار

محمود - س

بازار» به جامعه‌ئی که در آن برابری برقرار است رهنمون شود.

«جان دوی» بیان کرد که دموکراسی و آزادی تا زمانی که قدرت متمرکز اقتصادی جامعه را همراهی کند، مفاهیم بی محتوای خواهد بود. بایبرسی و مطالعه‌ی ایده‌های لیرالیسم کلاسیک و انتظارات این توریسین‌ها از تابع این ایده‌ها در جامعه، این توریسین‌ها را به مارکسیسم نزدیکتر می‌باییم تا به «لیرالیسم نو». لیرالیسم کلاسیک بیشتر بر نظری تشکلات توانایی تأکید کردن و خواهان تکامل آزادی فردی و افرینش او بودند. اما آنچه که امروز زیر پوشش لیرالیسم نوبه پیش برده می‌شود، دفعای ایدئولوژیک از قدرت متمرکز و توتالیت درون ماست. یعنی نقش بدون رقابت انتصارات سازواره ملی، شرکت‌های غول‌آسا، بانک‌ها و سرمایه‌داران بزرگ در کنترل تصمیمات تعیین‌کننده اجتماعی، سوال مرکزی دریاری روندهای آنی، که تأثیر فراوان در تکامل بهانی دارد، این است که: آیا مقاومت مردم خواهد توانست، به روندهای ضد دموکراتیک ایجاد خواهانه، عدالت‌جویانه و دموکراتیک بشیریت ترقی خواه امکان تعیق خواهد داشت؟ شرط موقیت این روند این است که مقاومت مردم در مقابل یورش لیرالیسم نوبه دستوردهایی دموکراتیک، در چهارچوب‌های ملی و جویند و دارای رشد اقتصادی نسبتاً قابل ملاحظه‌ی بودند. اینها کشورهایی بودند که از پذیرش دگم‌های «لیرالیسم نو» از جمله عرصه‌ی اقتصادی را دربر گردید. ادامه دارد

توضیح:

Gatt:(General Agreement On Tariffs and Trade):

سازمانی مشکل از ده‌ها دولت باهدف از میان برداشتن موانع تجاری بین دولت‌های عضو و دولتی که عضو این سازمان تجاری است، این سازمان مسئول است که شرایط تجاری برابر برای دیگر دولت‌های عضو فرام آورد.

G-7:(Group of Seven):

گروهی مشکل از دولت‌های کانادا، فرانسه، ایتالیا، زبان، انگلیس، آلمان و آمریکا، از جمله اهداف گرددۀ ایهای های مرتب این گروه، کاهش و از میان برداشتن موانع گمرکی و فرآهم آوردن تمهیلات تجاری برای اعضاء تشکیل دهنده این گروه است.

IMF:(International Monetary Found)

بنیاد بین‌المللی ارز در واشنگتن.

طباقاتی سرعت می‌گیرد و تأمین و تضمین کار قطعیت خود را از دست می‌دهد و دست اوردهای اجتماعی، اقتصادی و

دموکراتیک که با مبارزی پیگیر کسب شده، از دست می‌رود. بدین ترتیب بعضی از کشورهایی که در مسیر صنعتی شدن قرار گرفته‌اند به سمت جهان سوئی شدن سوق پیدا می‌کنند.

سرمایه‌ی ماوراء مرزهای بدون هیچ مانعی در حال گردش است ولی نیروی کار از چنین امکانی بپرهیزند نیست. این سرمایه‌ی عظیم، جوامن مختلف و نیروی کار آن را به تقابل دولت‌ها و کشورهای شرتومند و قدرتمند جهان از کارخانجات و شرکت‌های خوش در برای زیان‌ها و پرداخت‌های احتیالی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی خود، بدیزیان قابل ملاحظه و پشمگیری برای جهان سوئم، دفعای می‌کنند. تهابرخی از کشورهای آسیای جنوبی توانسته از رعایت حقوق کار، غیرانتفاعی و باید، ارزیابی می‌شود.

به کمک سیاست دیکته شده از طرف IMF، اروپای شرقی

به جایگاه سنتی خوش در جهان سوئم هدایت شده است.

یکی از مختصات نظم نوبن جهانی، افزایش نجومی

قروض کشورهای جهان سوئم به بانک جهانی است. مرگ و میر ۱۱ میلیون کودک از بیماری که با یک یا دو دلار

می‌توانستند دنداوا شون، درگذشت ۵۰ هزار کودک به تبع سیاست بازپرداخت قروض دولتی به بانک جهانی در

کشورهای جهان سوئم، چهاردهمین نظم نوبن جهانی در

خاموشی IMF به جهان سوئم تحمیل گشته است، این

توسط اقتصادی که به این مدت از دنده از بانک‌ها

می‌باشد تا به هر قیمتی تورم را بین ۱۴۰۰ میلیارد دلار در

میلار دلار از آن به اطراف و اکاف جهان منتقل شده است.

در سال ۱۹۶۱، ۱۰٪ از سرمایه نامنظم داشت و ۹۰٪ در

دادوست ارزی (سرمایه نامنظم) اختصاص داشت و

عرصه‌ی روابط تجاری و سرمایه‌گذاری فعال بود؛ ولی

امروز این نسبت بر عکس شده است.

تیجه‌ی چنین تحولی، فشار بیش از اندازه به دولتها

می‌باشد تا به هر قیمتی تورم را بین ۱۴۰۰ میلیارد دلار در

جنین سیاستی، رشد اقتصادی نازل و بیکاری افزون در

گستره‌ی جهانی است. سرمایه نامنظم از خصلت مخرب و

مکانیزم ضرر شد اقتصادی برخوردار است و بخش وسیعی

از جهان را به سمت رشد نازل و دستمزد پائین سوق می‌دهد؛

چهاردهمین برجی از روندهای جاری در جهان سوئم بر اثر

اجرای توصیه‌های غرب، خصلت جهانی تولید در این راستا

پویش کرده است که کشورهای شرتومند و صنعتی جهان

در حال صنعتی خوشی در برخی از عرصه‌ها باشند. آنها

تولیدات منتجی خوشی را به کشورهایی با نیروی کار از این

که از کار طولانی و فشرده ایانی ندارند، منتقل می‌کنند. در

این کشورها رشد فقر، شکاف اجتماعی و تجزیه‌ی

در طی ۲۵ سال اخیر، نظمی عمومی و نوبن در اقتصاد جهان

شکل گرفته است که در حال فرسایش و تضعیف دستاوردها و

پیشرفت‌های دموکراتیک پیشیت ترقی خواه است. پیشرفت

«در دنایک» نامی است که برای تجربه‌ی جهانی نهاده شده

است، تجربه‌ی که با ۳٪ بیکاری مزمن، لجام گسیختگی

پیشیت اقتصادی حاکم در عرصه‌ی جهانی و عدم توانانی آن

در برآوردن نیازهای اجتماعی مشخص می‌شود. پیده‌دهای

که به مثال خصلت طبیعی و ذاتی چنین سیستمی نمود دارد.

حاکم واقعی نظم نوبن جهانی، انحرافات ماوراء ملیتی و

شرکت‌های غول آسیا پیشند که امسروز حدوه یک چهارم

ژمجمه‌ی از طریق آنان کنترل می‌شود.

سیاسی جهان معاصر تاثیرگذار هستند که از طریق

پیمان‌های از قبیل «پیمان تجارت آزاد» GATT و

NAFTA اعمال می‌شوند. پیرامون این شرکت‌ها، یک

رژیم جهانی نامزدی و خارج از حیطه‌ی تأثیر و کنترل

دموکراسی در سیماهی IMF، بانک جهانی، WTO و G-7

تجسم پیدا کرده است که نسایان گر قدرتی مزرکی و

بین‌المللی در سطحی نوبن است. از سال ۱۹۶۱ به بعد حجم

سرمایه نامنظم (سرمایه‌ی که نه در تولید و بازگردان

بلکه در بورس و دادوست ارز، در جهان افزایش

انجصار آمیزی پیدا کرده و مبادلات پولی و ارزی با پهنه‌گیری

از انتقال تکنولوژیک در عرصه‌ی ارتباطات و اطلاعات.

سرعت رسام‌آوری یافته است.

سرمایه‌ی بانک جهانی به میزان ۱۴۰۰ میلیارد دلار در

بازار جهانی به کار انداخته شده است که در حدود ۱۰۰۰

میلار دلار از آن به اطراف و اکاف جهان منتقل شده است.

در سال ۱۹۶۱، ۱۰٪ از سرمایه نامنظم داشت و ۹۰٪ در

دادوست ارزی (سرمایه نامنظم) اختصاص داشت و

عرصه‌ی روابط تجاری و سرمایه‌گذاری فعال بود؛ ولی

امروز این نسبت بر عکس شده است.

تیجه‌ی چنین تحولی، فشار بیش از اندازه به دولتها

می‌باشد تا به هر قیمتی تورم را بین ۱۴۰۰ میلیارد دلار در

جنین سیاستی، رشد اقتصادی نازل و بیکاری افزون در

گستره‌ی جهانی است. سرمایه نامنظم از خصلت مخرب و

مکانیزم ضرر شد اقتصادی برخوردار است و بخش وسیعی

از جهان را به سمت رشد نازل و دستمزد پائین سوق می‌دهد؛

چهاردهمین برجی از روندهای جاری در جهان سوئم بر اثر

اجرای توصیه‌های غرب، خصلت جهانی تولید در این راستا

پویش کرده است که کشورهای شرتومند و صنعتی جهان

در حال صنعتی خوشی در برخی از عرصه‌ها باشند. آنها

تولیدات منتجی خوشی را به کشورهایی با نیروی کار از این

که از کار طولانی و فشرده ایانی ندارند، منتقل می‌کنند. در

این کشورها رشد فقر، شکاف اجتماعی و تجزیه‌ی

پیهیه از صفحه ۶

در پیوند با بحث پیرامون تشکل خبرنگاران و ...

انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها مشغول اند نمی‌تواند به

مسئای اتفاقی خاص همچون بیمه و مسکن و تعاونی و

طبقة‌بندی مشاغل و ... محدود شود. دفاع از آزادی اندیشه

و بیان که ضرورت اولیه‌ی فعالیت این گروه‌های است نیز

وظیفه‌ی است که خوادانخواه در حیطه‌ی کنش‌های چنین

تشکل‌هایی قرار می‌گیرد. بدین‌جا به این گستاخ

سازمان بر سر هم و ندان از توانی که این گستاخ

ترقبه از حقوق انسانی و مدنی و می‌تواند از اندیشه‌ی

نیز تواند این گستاخ را از اندیشه‌ی این اندیشه

نمایند. ظاهراً آن دست از دست اندیشه‌ی روزنامه‌نگاران

نویعی در صدد احیای «ستندیکای روزنامه‌نگاران

خرنگاران» هستند با استفاده از همین قانون مراجعات و

مکابرات مکرر را از این گستاخ

دانسته اند و آنها را از صنوف این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

دانسته اند و آنها را از اندیشه‌ی این گستاخ

معجزہ شیلی!

برگردان: ع. بھار

از طریق مسکو در مسیر جادہ ابریشم»

ابوالفضل

قسمت چهارم

که بر آنها نوشته بودند: «با سرعت صد کیلومتر به سمت تاپلوا را در جاده‌ها می‌گفت: ما این تاپلوا را در جاده‌ها می‌زدیم، ما می خواستیم با چنین سرعتی به سمت سویالیسم برویم. با ملتی که هشتاد پنج درصد آن بی‌سود بود.

مسکو، شهری که یکشیه بکارش را از دست داد و همان شب صدها پچی و لگرد و هزاران کولی از دل خود بیرون داد. ولگردانی که در سرتاسر روسیه پراکنده، پای برخene و آواره، زنان کولی هر کدام با بچه‌ئی پیچیده در کنه‌پاره‌تی در بغل و دستی گشوده برای گدایی، می‌گویند دزدی و گدایی در خون کولی هاست. خونی که هفتاد سال منجمد شده بود و حال باز گرم می‌شود و بد اصل برمی‌گردد.

چکانها بچه‌های ولگرد برس‌هر چپاره، دهها نفر از آنها را می‌بینی. با کنه‌پاره‌تی بودست به ماشین‌ها هجوم می‌آورند شیشه پاک می‌کنند و گدایی می‌نمایند.

اکثر پرورشگاه‌ها بسته شده‌اند، غذا نیست، معلم نیست، کمک دولتی نیست، پچه‌ها باید نان خود را بدمست آورند. به مر ترتیب که هست. بیشتر غذاخوری‌ها و سالن‌های ورزشی پرورشگاه‌ها و گاه خاچ خود پراکنده شده‌اند، از ازدایجان تا

شده‌اند. پس ایوان، برای دفتر و کودکان اسا در آنجا هستند و رسمآ اواده در خیابان‌ها.

آنچه دو امر پایه پایی هم به سرعت رشد می‌کنند. فقران

تپی دست تر می‌شوند و شروتمدنان

غذی تر.

ساکنان پیر از ساختمان‌های قدیمی و اندوه می‌شوند و خربیداران جدید چهره‌های عیوب و یکتواخت این ساختمان‌ها را تغییر می‌دهند. سیمانی لوکس و غربی به آن می‌دهند. ساختمان‌های سنگی که طی سال‌ها سنگ‌های آنها سیاه شده بود، اکنون سنگ‌هایشان تراشیده می‌شوند، قتل می‌بایند و پنجه‌های کوچک، ویترین‌های آنکار شده با آن میله‌های افغانی جای خود را به شیشه‌های رنگی و روشن می‌دهند. آخرین مدل‌های غرب در پشت ویترین‌های جلایاته جای می‌گیرند.

شعبات کارل اشتات، والنتینا، کریستین دیور و ... مک دونالد بازیکن مجامح خط مقدم حمله! ساختمان شیشه‌تی سیاه‌رنگ آن ابیتی خاص دارد: هنر معماری غرب که سویالیسم سال‌ها آن را به عنوان هنر خاص برای خواص به تصریخ می‌گرفت! با خیلی از دختران و پسران جوان روس ملکی به لباس‌های یکدست آبی و سفید و سرخ رنگ مک دونالد. در باز می‌کنند می‌بنند! خیر مقدم می‌گویند. زمین را تی می‌کشند! در هیچ کجا دنیا مک دونالد چینی‌نشکر از کارگران جوان ندارد. اینجا عظیمی از آرمانهای انسانی می‌افع می‌کنند. ما خواستیم این خارستان را گلستان کنیم، زمین را به دریانه می‌کشند! آنها در ویرانه‌ها پیش از آنچه که شد، بازگشته بازیگران چهارمین روز خود را به شیشه‌های رنگی و روشن می‌گردند.

کریستین دیور و ... مک دونالد بازیکن مجامح خط مقدم حمله! ساختمان شیشه‌تی سیاه‌رنگ آن ابیتی خاص دارد: هنر معماری غرب که سویالیسم سال‌ها آن را به عنوان هنر خاص برای خواص به تصریخ می‌گرفت! با خیلی از دختران و پسران جوان روس ملکی به لباس‌های یکدست آبی و سفید و سرخ رنگ مک دونالد. در باز می‌کنند می‌بنند!

خیر مقدم می‌گویند. زمین را تی می‌کشند! در اینجا از کارگران جوان ندارد. اینجا عظیمی از کارگران جوان ندارد. اینجا خودن یک همپرگر، در این دستوران سپاهی خود نوعی شخص است.

روس‌ها حال هممانن خود را نه با پورش روسی یا کباب کفی، بلکه با مک دونالد پذیرائی می‌کنند. در مک دونالد جشن تولد می‌گیرند و پچه‌ها با پارچه‌های عمومی که هدیه‌ی عموساد چینی‌نشکر از ازدایجان و عظیمی از آرمانهای انسانی می‌افع می‌کنند. ما خواستیم این خارستان را گلستان کنیم، زمین را به دریانه می‌کشند! آنها در ویرانه‌ها پیش از آنچه که شد، بازگشته بازیگران چهارمین روز خود را به شیشه‌های رنگی و روشن می‌گردند.

میلیونها آواره‌ی افغانی است که خاک وطن بر توره‌شان از دیاری به دیاری سرگردانند مانند بیودی سرگردان که هیچکنی نزدیکشان نمی‌شود.

هیچ چیز مانند آوارگی تاخ نیست، بخصوص برای ما افغانیا که همیشه عادت کرده‌بودیم به صورت فامیلی‌ای بزرگ زنگی کنیم و امروز قبله‌گاه (پدر) بدهایی، مادر، برادر، خواهر هریک بدهایی، امری که هیچ وقت در ذهن ما افغانیا نمی‌گذید. از صبح

می‌یام اینجا کنش می‌فروشم، یک گفت کفش را در دست می‌گیرم، درامداد خیابان می‌روم می‌فروشم، یک

باز راه می‌افتم. چرا که پلیس دستگیر می‌کند. کشوارهای در گشاکش

درگیری‌های داخلی و نیمه‌گرمه، آنها نیز هایل و قایل را تکرار کنند. ناگزیرند که در اینجا بسیار بازیکنی که بازگشته بازیگران خارجی، بدون نیمه تمام،

کشوارهای سازمان ملل را که خود را

روپا در آن بالا می‌خوردند، چیزی به

ما نمی‌رسد. برگه‌های سازمان ملل که

برای اقامات اعتبار ندارد! پس ما می‌چه

هزارهای داشتگاهها پولی شده‌اند،

کمی که کوکانهای سیاریشان به مدرسه

نمی‌روند، تمام زنگیان را می‌شوند، در

دانشگاه نیز هایل و نیمه‌گرمه،

چرا که تمامی داشتگاهها پولی شده‌اند،

بزرگی که بازگشته بازیگران خارجی، بدون

جای زیست.

خوابگاه‌ها پر است از آوارگان

افغانی، گرجی، چچنی و روسی، در هر

اطاق روند، گاه در یک اطاق تا

نشسته‌اند، زن من دکتر بود! سیاری از

ما بسیار پاسبورت اینجا زندگی

دوره‌گرد دلار، کشش، لباس، ڈتون تلقن

و برشی به دلالان محبت تبدیل

سپیروی.

هر شب، اخبار و تصویر کابل را که

در آتش و خون می‌سوزد می‌بینی، همه

شب در خانه‌های مأکریه است و زاری،

محله‌ها و خانه‌های آشناست که در

تصویر می‌بینم زیر بسم و خمپاره

ویران می‌شوند، گویندی قلب ماست که

چنین پاره پاره می‌گردد. من سیاری از

نژدیان را از داده‌ام و حال چنین

ناآشنا می‌گردم.

چگونه تحمل می‌کنیم؟ نمی‌دانم!

گاه که پوکسلاوی را می‌بینم و پای

بوستی ها را می‌بینم که از ما بدمست است

می‌گویند باز شکر که در امان می‌ستم.

امروز وضع خرابستر دیگری را می‌بیند

می‌گوید. خدا را شکر که وضع ما

اندکی پیش است! آنچه گویی تبدیل

از صبح مقابله ساختمان بزرگ و

زندگی می‌کردیم، در کملین نشسته

تضمیم گرفتند، افغانستان را ضمیمه

خودشان کنند، یا به قول سوسیالیست

کنند. من گویند پیش از اینجا خودشان از شده، از گلوی خودشان

هر قسم زندگی می‌گردند.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

به چهارمین

تاریخ افغانستان تسلی می‌باشد.

از زندگی می‌گردند،

اریکان رهبر حزب رفاه اسلامی روندها و تحولات جدید در خاورمیانه

* صدام حسين با حافظ اسد دیدار کرد

*** تمایل ایران و مصر به احیای مناسبات سیاسی خود

شده، به گونه‌ای که آنها در اجلاس اخیر
قاوهه پس از سالها، اتحادی کم‌سابقه را
به نمایش گذاشتند. حافظ اسد دست
پاس عرفات، یعنی کسی که پیوسته از
سوی سوریه به سازشکاری با اسرائیل
متهم شده بود را فشنده، مبارک با
عمرالبشاری، حاکم سودان، که به حمایت
از گروههای تروریستی مصر متهم بود،
دیدار کرد و در خارج از این جلسه هم
آنچنان که فاروق الشعب تائید کرده
است، حافظ اسد و صدام حسین به
دیدار یکدیگر رفته‌اند.

روند نزدیکی و همکاری اخیر در منطقه‌امانه مصروف به کشورهای عربی محدود نمانده است. تحرک دیپلماتیک اخیر سوریه و تلاش نسبتاً موقتی آیین کشور برای حل مناقشه میان بحرین و ایران که در پی ادعای مقامات نامنامه مبنی بر واستگی گروههای مختلف دولت آن کشور به جمهوری اسلامی شدت یافته بود را صرف نایاب اقدامی در چارچوب بهبود روابط تهران و نامنامه تعبیر کرد، چرا که اقدام بعدی و مهمنمتر سوریه یعنی میانجیگری میان ایران و مصر از سیاستی حکایت دارد که تحکیم اتحاد و همبستگی همه کشورهای منطقه در برابر روندی های منفی ناشی از نزدیکی نظامی ترکیه و اسرائیل و به قدرت رسیدن حزب لیکود در اسرائیل را دنبال می‌کند. در این میان رهبران جمهوری اسلامی برخلاف گذشته، گرایش پیشتری به حل اختلافات خود با مصر نشان می‌دهند. دست کم بخشی از دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی در ریاست‌جمهوری اند که از طریق اتحاد با گروههای تروریستی و رهبران بنام کشورهایی همچون سودان نه تنها نمی‌توانند تأثیر بازدارنده و یا مثبتی بر روندها و تحولات منطقه پذگارند، بلکه بیش از پیش موجات انتزاعی خویش و تحکیم حضور نظامی ییگانگان در منطقه را فراهم می‌آورند. با این همه کارنامه جمهوری اسلامی وجود دستنجات و باندنهای متفاوت در آن، مانع آن است که در باره چشم انداز این گرایش نسبتاً جدید و حد غله آن بر دستگاههای دیپلماتی ایران به خوشبینی دچار شویم و اینه صدور انقلاب و حمایت از تروریسم را در جمهوری اسلامی فراموش شده بندازد.

از احراز بعث حاکم بر سوریه و عراق از دو دهه پیش در دشمنی و تشتیزی با یکدیگر بوده‌اند، بد و زیور پس از شروع خنگ ایران و عراق و حمایت حافظ اسد از تهران دشمنی بین دو کشور مزبور شد پیشتری یافت و در نگاههای جنگ آمریکا علیه عراق که پیروهای سوری ایزدی از حمایت از پیروهای متحدین در برابر بغداد به ایران موسوم بودند، این دشمنی به وجوه خود رسید. پس از شکست عراق در آن جنگ، سوریه با وارد شدن به این موضع به +۲ به اتحادی نظامی با مصر و کشورهای عرب احاشیه خلیج فارس پیوست که هاشش بدل از همه میار عراق بود.

بدینسان تا همین اواخر روابط ایران دو کشور خصم‌های را از آن بود که تحقیقی دیدار مقامات دون‌پایه دو کشور بیز عادی تلق شود. با این همه بوخی اسائل و منافع مشترک و پارهای وندنهای سیاسی اخیر در منطقه از این و زنی برخوردار بوده‌اند که سرخوش عادی غیرمنتظره‌ای را در روابط این دو کشور همایه ممکن ساخته‌اند. سوریه و عراق هر دو به حافظ تأیین آب خود تا حدود زیادی به ب رو فرات و ایلاند.

سدسازی‌های عظیم ترکیه بر روی این وودکه به کاکشی جریان آب آن به سوی سوریه و عراق می‌گیرد، باعث ازدیف سیاسی صورت می‌گیرد، باید نمایند که مقامات مسئول هر دو کشور نمایند پیش برای اتخاذ مواضع شترک در قبال آنکارا و زیر فشار بادان رهبران ترکیه با هم دیدار کنند. بیدار حافظ اسد و صدام حسین اما نه رسر چکنگی برخورد با ترکیه بررس شله آب بلکه در انتهی ما مجه، های

پیشگیری از تحریک و خرابکاری در این موضع بسیار سخت است. ترکیه که دیرزمانی در مناسبات با اسرائیل، جانب اعراب و اسرائیل، جانب پیغاطی رعایت می کرد و حتی قسمی اتحاد با اعراب را سیاست خود ساخته بود، در پایان گیری جنگ سرد و برآمد خی روندیاهای جدید، از این سیاست صله گرفت و در ماه فوریه گذشته با رسانیل یک پیمان نظامی امضا کرد. ادامی که به ویژه حساسیت کشورهای مساویه ترکیه از جمله عراق و سوریه برانگیخت و آنها را به کاهش صورت میان خویش و نزدیکی بیشتر علیه محور آنکارا - تل اوبوی ترغیب کرد.

علاوه بر آن، با شکست حزب ارگو در اسرائیل و به قدرت رسیدن زب لیکود که با سیاست صلح در ابر زمین مخالف است و روند صلح خاورمیانه را در معرض شکست او را داده، کشورهای عربی دوباره خود در معرض خطر جدی از سوی رسانیل حس می کنند و تداوم روند صلح را جز با هشکاری و اتحاد خویش اعمال نشار بر دولت جدید اسرائیل پیش نمی دانند. در همین راسته بجهه گیریها و دسته بندی های میان شورهای خوبی نیز دستخوش تعلو

نخست وزیر ترکیه شد

۲۰۱۴: ارتش ترکیه با حمله به احزاب چپ ممنوعیت آنها را زمینه

۲۰۱۴-۱۳۹۳ «سکولاریزم» اعلام کرد
دموکراسی و اسلام می‌گذرانند

با انتلاف حزب اسلامی رفاه و
زنگ «راه و است» به رهبری چلر دور
یگری از تشکیل دولت در ترکیه
رسرو شد. اینبار مسئولیت
خستوزیری با اربیکان رهبر حزب
اسلامی رفاه است. قرار است هفتنه
یمنده کاپیته معرفی شده مجلس رای
تمداد پیکرد.
اربیکان با اعلام برنامه دولت خود
به تفاوت چندانی با برنامه‌های قبلی
و آنچه شده از طرف چلر و مسعود یلماز
دارد، موجب سردرگمی در مطبوعات
یگری شد. برخی مطبوعات نوشتند که
یکان از «تیمه» در اسلام استفاده
برده است و هدف دیگری را پیش
نمود. برخی مطبوعات نوشتند که
از رئوس برنامه اعلام شده
ربکان بازوه علیه تورم، سرعت روند
صوصی سازی، مبارزه علیه ترور
مرها، ورود به بازار مشترک است. او
نامه خود را بر اساس «دموکراسی و
نظامی» سکولاریزم کمال آناتوری
پی داد. برخی روزنامه‌ها در ترکیه از
چرچوش در سیاست اربیکان «نام
آناتولی» می‌دانند.

نفر زخمی شدند.

این حزب که خود از ائتلاف دو حزب کردی بوجود آمده است، تنها حزب قانونی کرده است که در چارچوب قانون اساسی ترکیه مبارزه می‌کند. در انتخابات ماه دسامبر حزب کار خلق با پیشترین آرا قویترین حزب در منطقه کرد نشین بود ولی چون آرای این حزب در کشور کمتر از ۱۵ درصد کل آرا بود، از راهیابی به پارلمان محروم ماند. دومین حزب قوهٔ منطقه یعنی حزب رفاه توائیست تمامی نایانگان آنجا را به خود اختصاص دهد. حمله به حزب کار خلق جزوی از روند حمله به اپوزیسیون است که از پکال پیش شروع شده است، در این مدت با حمله به خبرنگاران و دستگیری آنها، حمله به فعالین حزبی و خانواده‌شان فضای فعالیت سیاسی آنها تنگ شده است. همزمان گروههای فشار نفوذگریستی در ترکیه فعال شده و با حمله به مراکز اپوزیسیون با شعارهای «زنده باد پلیس ترکیه»، «مرگ بر پ. کا. کا» فضای خلقان ایجاد کرده‌اند.

در حمله پلیس به گردهمایی حزب چپ کار ترکیه پیش از ۲۰۰ نفر زخمی شدند. کلیدی روت نماینده پارلمان اروپا در ترکیه حمله پلیس ترکیه به ایسین گردهمایی را وحشیانه و بربزمشانه توصیف کرد.

اریکان در مصاحبه با هفت‌نامه «شیگل» در مورد احزاب دیگر گفت انهایی بیچ هویت و کارکری از خود اوارند، فقط مقلد غرب هستند و سکال دیگر آنها، برنامه اقتصادی رومایه‌داری آنهاست که از این طریق طی یک قشر کوچکی سود می‌برند.

اریکان در مورد حجاب در این مصاحبه می‌گوید که حجاب اجباری است فقط مامی خواهیم که زنان ما که لاقعندند حجاب داشته باشند، حق شسته باشند که در ادارات کار کنند و دانشگاهها تحریم کنند. اریکان در در این مسئله که از ۱۵۴ نماینده این زرده حتی یک نماینده زن نیز وجود اورد می‌گوید که حزب ما هنوز امدادگی را نداورد. اریکان تاکید می‌کند که او اتفاق قانون اساسی ترکیه و طرفدار بستم چند حزب و دموکراسی و نیز به معنای آزادی مذهب باشد. او در مورد آتابورک می‌گوید او باعث استقلال و صنعتی شدن کیه بود. او کشور را به پیش برد بدون که اقتصاد را ورشکسته کند – آتابورک در عین حال در مسجد بادت می‌کرد. آتابورک اگر زنده بود نفو حزب رفاه بود.

اریکان در مورد مسئله کردها تقد است که کردها و ترکیها مسلمانند مشکلی ندارند. فقط ترویریستها ثبت خرابکاری می‌شوند. البته قبل

انفجار بمد در بایگاه آمریکا در عربستان سعودی

در صفحه ۱۰

پیحران در گایاب

کنگره حزب کمونیست ویتنام

* ۹ درصد رشد سالانه از نتایج رفرم اقتصادی است

*** شکاف شدید و بی‌چیزان، رشد و رشوه‌خواری

درکشور مورد انتقاد کنگره قرار گرفت

اشارة شده است و گفته می شود که باید به شک و تردید در مورد سوسیالیزم و رهبری سیاسی خاتمه داد. دبیر کل ۷۹ ساله حزب «دوموئی» که نقش میانجی بین دو جناح حزب، جناح طرفدار رفرم اقتصادی و جناح اصولگرای که مخالف سیاست اقتصادی و خصوصی کردن است دوباره در سمت خود ابقا شد. گفته می شود که فرد دیگری که عملاً بتواند چنین نقشی را بین دو جناح حزب ایفا کند وجود ندارد.

هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام در اوخر ماه ژوئن در هانوی برگزار شد. در این کنگره ۱۲۰۰ هیئت که ۲/۳ میلیون اعضاً حزب را نمایاندگی می کردند، شرکت داشتند. حزب کمونیست ویتنام از دهال پیش رفرم اقتصادی را شروع کرد. در این مدت رشد اقتصادی ویتنام سالانه بطور متوسط ۹ درصد بود. در عرض دهال ویتنام از کشور در معرض گرسنگی به «پیر کوچک» آسیا تبدیل شد و اکنون یکی از مهمترین

مشاور اقتصادی رهبری حزب
می‌گوید رفرم اقتصادی در ویتمام
بازگشت ناپذیر است و این کاملاً عادی
است که در جریان خصوصی شدن
برخی زودتر تومند می‌شوند.
بسیاری از اعضای حزب در این
کنگره از وضعیت داخلی حزب و ضعف
ایدئولوژیک اعضای شکایت داشتند و
فاصله طبقاتی ایجاد شده در جامعه و
رشد روش خواری را از عوامل منفی
اجرای رفرم می‌دانستند.

صادرکنندگان پرچم است.
در گزارش هیئت سیاسی گفته
می‌شود که رفرمی که از ده سال پیش
شروع شده باید همان ادامه باید و
در ۵ سال آینده نیز رشد ۹ تا ۱۵
برصد تأمین شود. در این گزارش
همچنین از پیامدهای منفی سیاست
رهای باز صحبت می‌شود. که بار
وحیه سوسیالیسم سازگاری ندارد. از
جمله فاصله شدید بین داراها و ندارها.
در این گزارش همچنین به بحران



ور دوم انتخابات ریاست جمهوری در روسیه پایان گرفت.

در این انتخابات یلتین با ۵۸ درصد آراء به پیروزی رسید.

بگانف ۳۴ در صد آرا را بدست

کنفرانس سران هفت کشور صنعتی

مین شد.

صنعتی جهان آمریکا، کانادا، ژاپن، انگلیس، ایتالیا، فرانسه، آلمان در لیون فرانسه گرد هم آمدند. سران این کشورها، وزرای امور خارجه، مالی و اقتصاد همراهی می شدند. برخی از هیئت های نمایندگی از چند صندوق تشکیل می شد. در قسمت مشاوره سیاسی این کنفرانس هیئتی از روسیه زیر نظر چرنومیدین با حقوق مساوی یادیگران شرکت داشت. دستور کار این کنفرانس از جمله در مورد بسیاری، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مافیا و مبارزه با ترویریسم بود.

از مسائل مورد بحث اقتصادی در

در عین حال اجتماع اعتراضی به نام «هفت مقاومت» از طرف خبرنگاران، حقوقدانان و سندیکالیست‌های کشورهای جهان سوم در لیون پرگزار شد. شعار اجتماع این بود که هفت کشور ثروتمند نمی‌توانند به تنها یاری در مورد سرنوشت جهان معامله کنند و آنها خواستار دخالت سران شرکت‌کنگران در کنفرانس لیون به نفع حقوق بشر در جهان، علیه جنگ و به نفع تقسیم عادله ثروت در جهان شدند.